

بررسی تأثیر اندیشه‌های انقلاب مشروطه بر معماری دوره پهلوی با تأکید بر باستان‌گرایی

فروغ خبیری

دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

(۱۳۲۰-۱۲۹۹) تحت تأثیر چند جریان مهم است؛ مدرنیته که از دوره قاجار وارد ایران شده بود. منتها برخورد معماری ایران با مدرنیته در دوره پهلوی از جهاتی با قاجار متفاوت است؛ معماری دوران پهلوی اول در ارتباط با گذشته و پیوند با غرب تا حد زیادی انتخاب‌گر است به این معنا که برخلاف معماری دوران ناصری که معماری غرب را به صورتی ناگزیر و شتاب‌زده به کار برده، ویژگی انتخاب از غرب در دوره پهلوی با نوعی عقل‌گرایی همراه است و هم‌چنین در مورد نگاه به گذشته ایران نیز انتخاب‌گر است. امر ساختن که قبلاً یک عمل آئینی و مذهبی به‌شمار می‌رفت، جای خود را به طراحی آگاهانه کشیدن نقشه برای بناهایی داد که دارای کاربردها و معانی گوناگون بودند. به تدریج فضای شهری آئینی به فضای شهری نوین بدل گشت. بروز نمونه‌های اولیه آپارتمان‌سازی از آثار همین پدیده است. اگر مدرنیسم را به گفته بودلر تلاشی برای تسلط هنر بر قلمروهای دیگر زندگی بدانیم، معماری این دوره آغازگر حرکتی مدرنیستی است. اوج مدرنیسم در هنرهای گوناگون غرب را در اوایل قرن بیستم اروپا می‌توان مشاهده کرد و رسمیت یافتن آن در مدرسه باوهاوس که در سال ۱۹۱۹ تأسیس و در سال ۱۹۲۸ منحل شد. مدرنیسم در ایران در دوران قاجار با گسترش روابط با کشورهای اروپایی و حضور هرچه بیشتر خارجی‌ان در کشور به صورت پدیده‌ای ناقص وارد کشور گردید با ظهور انقلاب مشروطیت، روشنفکران ایرانی درصدد برآمدند تا مدرنیستی مبتنی بر خط مشی فکری مشخص را پایه گذارند. اما روشنفکر ایرانی هیچ‌گاه این مسأله را که مدرنیسم فرآیندی زمان‌بر است را در نظر نگرفت لذا مدرنیسم ایرانی با خطر بریدن

انقلاب مشروطه یکی از مهمترین دگرگونی‌ها در ساختار جامعه مدنی ایران طی یک قرن اخیر به‌شمار می‌آید. ایرانیان در این انقلاب به مرحله‌ای از تاریخ خود پا گذاشتند که بر پایه مفاهیم برآمده از این انقلاب هویت ملی جدیدی را برای خود پایه گذاشتند. با شکل‌گیری طبقه روشنفکر به‌عنوان نیروی اجتماعی جدید اهداف و سیاست‌گذاری‌های این جنبش به اجرا در آمد. خواست عمده جریان روشنفکری که همراه با اهداف انقلاب مشروطه بود؛ تجدید هویت و سنت‌های ملی ایران، وضع نظام قانون اساسی جدید به شیوه اروپا، تأسیس نهادهای سیاسی جدید بر اساس حاکمیت ملی و ایجاد مبانی دولت ملی مدرن بود. تجلی این افکار را بیشتر از آنکه در دوره قاجار، که مقارن با انقلاب مشروطه است، بیابیم، در هنر عصر پهلوی می‌توان یافت. در این نوشتار نویسنده قصد دارد تأثیر جنبش مشروطه و جریان روشنفکری را بر معماری عصر پهلوی تبیین نماید.

مقدمه

جامباتیستا ویکو^[۱] از پیشگامان جامعه‌شناسی هنر معتقد است که فرهنگ مانند روح یک جامعه است، روح حیات‌بخش آن، و هنر یک جامعه بیانگر آن روح است. هنر بیش از آنکه بازتابنده گرایش‌های فرد سازنده باشد، بیانگر تعلقات و نگرش‌های گروهی از افراد جامعه است. این دیدگاهی است که جامعه‌شناسی هنر نسبت به هنر هر دوره‌ای دارد. مارکسیست‌ها نیز در نظریات‌شان درباره هنر، نقش هنر هر دوره را بیان ایدئولوژی حاکم در یک طبقه خاص دانستند.

دوره بیست ساله معماری پهلوی اول

I- Giambattista vico



از گذشته و انقطاع فرهنگی مواجهه بود. از طرف دیگر روشنفکران به مشکلاتی چون ناهماهنگی شرایط جامعه با الگوهای پیشرفت، ناسازگاری معیارها و ارزش‌های سنتی با مدرنیته نیز مواجهه بودند. با روی کار آمدن رضاشاه و تشکیل حکومت پهلوی اهداف مشروطه در بستری دیگر دنبال شد، دو موضوع نقشی تعیین‌کننده در ارزش‌گذاری اهداف رضاشاه داشت؛ مشروطیت و موقعیت قرن بیستم لذا دولت پهلوی در ادامه دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی در عصر قاجار در پی ایجاد نظام فکری جدیدی بود که بخش‌های زیادی از آن مبتنی بر نظام فکری غرب بود. بیان اندیشه متفکران پس از مشروطه منبع بسیاری از الهامات دوره پهلوی در زمینه فرهنگ و هنر بود. با علم به این موضوع، نویسندگان این متن تلاش می‌کند تحولات معماری عصر اول پهلوی را با در نظر گرفتن تأثیرات ناشی از انقلاب مشروطه بررسی نماید و با بررسی تحولات فکری و اجتماعی این دوره برخی از مصداق‌های حادث شده در معماری را بررسی می‌کند.

مبانی فکری انقلاب مشروطه

یکی از مهم‌ترین دگرگونی‌ها در ساختار جامعه مدنی ایران طی یک قرن گذشته، انقلاب مشروطه است. با شروع انقلاب مشروطیت، همزمان با حکومت ناصرالدین‌شاه، هنر و ادبیات در خدمت این دگرگونی درآمد. دوران حکومت ناصرالدین‌شاه، آغاز مبارزه فعال ایرانیان با حکومت استبدادی و شروع دوران تدارک انقلاب مشروطه است. شناخت انقلاب مشروطه نیازمند شناخت اندیشه‌های روشنفکرانه مقارن با انقلاب است. درگیری اصلی فکری روشنفکران مشروطه، مسأله پیشرفت و ترقی جامعه بوده است. روشنفکران پیشگامان مدرنیته و پویاترین نیروی اجتماعی در دوره بین دو انقلاب بودند. اولین تغییر ناشی از این انقلاب فرآیند شکل‌گیری قوای مقننه، مجریه و قضائیه بود. نظام‌های اجتماعی در جامعه ایران به سه نهاد اجتماعی دین، بازار و دولت محدود می‌شد، به مرور زمان به هفت نظام اجتماعی نسبتاً مستقل شامل دولت،



تصویر شماره ۱: اداره مالیه سابق یزد



تصویر شماره ۲: ساختمان صندوق پس‌انداز بانک ملی به وسیله هنریش، معمار آلمانی، بین سال‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۱۰ در زمان رضاشاه ساخته شد. در این بنا علاوه بر عناصر معماری ایران باستان، معماری اروپا نیز استفاده شده است.



تصویر شماره ۳: در ۱۳۱۵ هنرستان دولتی (هنرهای زیبای کنونی) در اصفهان تأسیس شد.

اقتصاد، دین، آموزش، حقوق قشر بندی اجتماعی و جامعه مدنی گسترش پیدا کرد. دوران قاجار دوره فراهم شدن زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مناسب برای رشد و گسترش اندیشه‌های تجددخواهانه و تفکر ناسیونالیسم است و از این زاویه در بررسی سیر تحول اندیشه ناسیونالیسم و ظهور مکتب تاریخ‌نویسی ملی‌گرایانه و باستان‌گرایانه و آرایه نخستین تعاریف از موضوع هویت ملی در تاریخ معاصر ایران از اهمیت برخوردار است.

ناسیونالیسم یکی از بنیادی‌ترین ارکان جریان مشروطه‌خواهی به‌شمار می‌رفت و برقراری نظام مشروطیت فرصتی مناسب برای غالب روشنفکران و رجال سیاسی وقت فراهم کرد تا در لوای ساختار تازه، به توسعه دیدگاه‌های باستان‌گرایانه درباره تاریخ دست بزنند. یکی از عوامل مهم در بروز و تقویت ناسیونالیسم، ورود ماحصل کار شرق‌شناسان و ایران‌شناسان غربی به خصوص در مورد ایران باستان به داخل ایران است، این اتفاق به همراه عوامل دیگر باعث رواج این اندیشه گردید که ایران باستان نهاد ملیت واقعی ایران و ایرانی به‌شمار می‌رود.

تحلیل تحولات معماری ایران در عصر پهلوی

تأثیر انقلاب مشروطه در فاصله بروز انقلاب و روی کار آمدن دولت پهلوی بر هنر دوره قاجار آن چنان محسوس نیست؛ هنر قاجار در این فاصله تقریباً با مضامین سابق خود دنبال می‌شود و ظهور تفکرات ناشی از این انقلاب را بیشتر در هنر عصر پهلوی می‌توان مشاهده کرد. از دیرباز یکی از مهمترین ویژگی‌های معماری ایرانی درونگرایی آن بوده است، این ویژگی عنصر مسلط معماری ایران تا پایان دوره قاجار بود. در دوره قاجار معماری به تدریج از درونگرایی فاصله می‌گیرد و به برون‌گرایی که زاینده تفکر مدرن است، رومی آورد. پس از نهضت مشروطیت و سال‌های بعد از آن، با ظهور رضاخان اندیشه و نگرش تازه‌ای پدید آمد که دین و مذهب را مترادف عقب‌ماندگی، فقر، حقارت، ضد توسعه و... قلمداد کرد. این رویکرد دین‌گریز منجر به پدید آمدن سبک برون‌گرا در معماری دوره پهلوی گردید. این ویژگی و ویژگی‌های دیگری چون...

انعکاس ورود تدریجی مدرنیته در معماری است. ورود مدرنیته مشخصه‌های بارزی در معماری دارد؛ مثلاً حذف تزئین، کنار گذاشتن تاریخ و عناصر تاریخی، پلانی آزاد از قیدوبند هندسه کلاسیک، توجه خاص به عملکرد و کارکرد بنا، ترکیب احجام ساده و خالص هندسی و در نهایت ساختن بنایی است که جوابگوی تمام انسان‌ها با فرهنگ و نژادهای گوناگون باشد. در ایران معماری و شهرسازی دوره قاجار با دگرگون کردن مفاهیم شهر، محله به‌عنوان سلسله مراتب زیستی اجتماعی و بازار، خیابان‌ها و میادین به‌عنوان شبکه ارتباطی شهری و هم‌چنین خلق برخی فضاهای جدید، جای خود را در سیر تحول شهر کهن به شهر جدید باز می‌کند و راهگشای شهرسازی دوره پیش از مدرن و مدرن دوران پهلوی می‌گردد. اما برخی از تحولات این دوره را به تنهایی با مدرنیسم و ویژگی‌های آن نمی‌توان تفسیر نمی‌شود. ریشه‌های ورود تجدید و نوگرایی در کار معماران دوره پهلوی را باید در تحولات پیش از آن‌ها جستجو کرد. مشروطه، گرایش به شکل‌ها و مضامین هنر گذشته ایران، باستان‌گرایی و ناسیونالیسم را مطرح کرد لیکن این چهارچوب فکری جدید در عمل تا دوره پهلوی، در هنر نمود نیافت و این ویژگی‌ها در معماری دوره پهلوی مصداق پیدا کرد. تغییر ساختار جامعه ایران، دیدگاه‌های نوین سیاسی و اجتماعی از جمله دین‌گریزی، باستان‌گرایی و تجدیدطلبی را در معماری نمایش می‌دهد و حاکمیت با معماری تازه خود به بیان اندیشه خود می‌پردازد. معماری ایران در دوره پهلوی تحت تأثیر معماری اواخر قاجار قرار داشت که در نهایت در دوره دوم پهلوی مبدل به یک جریان غالب و تأثیرگذار معماری مدرن شدند.

دوره‌بندی تاریخی معماری ایران، این دوره را معماری دوره انتقال و آغازگاه تقابل معماری ایران و غرب می‌داند. تحولات به‌وجود آمده در معماری این دوره را در بخش‌های مختلف بناها می‌توان مشاهده کرد؛ به‌عنوان نمونه در این دوره پلان‌های جدیدی وارد معماری بناها شدند که اغلب آن‌ها بدون در نظر گرفتن انطباق محلی و فرهنگی محل احداث اجرا می‌شدند؛ نمونه این تغییر کم‌شدن کارکرد پلان بناهای سنتی است که یک حیاط

در مرکز آن‌ها واقع بود. (تصویر شماره ۱) در دوره بیست ساله پهلوی اندیشه تمرکزگرا، سنت‌شکن و تجدیدطلب شکل گرفت که ساختمان‌های بلند این دوره به خوبی نشانگر این ویژگی‌ها هستند. ویژگی دیگر بالاتر قرارگرفتن ساختمان‌ها به‌خصوص بناهای دولتی از سطح زمین است که حس تفوق و تفاخر را بیننده القا می‌کند. بناهای میدان مشق سابق (باغ ملی کنونی) واجد این ویژگی هستند. در مورد ورودی ساختمان‌های این دوره نیز ویژگی‌های مشترکی وجود دارد؛ ورودی‌های بلند با ستون‌های مرتفع و کشیده نشان از تأثیر معماری باستان‌گرایانه ایران کهن است، اجرای سرستون‌های هخامنشی در ساختمان‌های بزرگ نشان از همین اصل دارد. (تصویر شماره ۲) نکته قابل توجه دیگر در نمای بناهای رضاشاهی، استفاده از نشانه‌ها و عناصر خطی عمودی است که در راستای نمایش ابهت و شکوه در بناها به کار می‌رفت. (تصویر شماره ۳) این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که چگونه ناسیونالیسم که ویژگی روشنفکران عصر مشروطه بود، همراه با زنده کردن تفکر باستانی و علائق ملی در معماری آن دوره نمود یافت. در آغاز سده چهاردهم شمسی ناسیونالیسم معاصر در برابر ناسیونالیسم تاریخی ایستاد و بزرگ‌ترین ثمره‌اش جایگزین کردن علائق ملی و باستانی به جای آئین‌های قومی و دینی بود. این حرکت در دوره رضاشاه با نوسازی توسعه یافت و با دست‌اندازی به داشته‌های تاریخی حرکتی نهضت‌گونه در تمام زمینه‌ها ایجاد کرد که یکی از آثارش معماری باستان‌گرایی بود. دوره کوتاه باستان‌گرایی در ابراز اندیشه‌ها و اهداف ناسیونالیستی سه دستاویز داشت:

اول: حذف تدریجی دین اسلام از صحنه سیاست و کنار گذاشتن نشانه‌های فکری و عملی.

دوم: آئین زرتشت و اشاعه آن.

سوم: دستاویز قراردادن شاهنامه و زبان و ادبیات پهلوی در جهت احیای دوباره تمدن باستان (کیانی، ۱۳۸۳)

ناسیونالیسم و باستان‌گرایی در معماری این دوره به صورت استفاده از معماری باستان در معماری معاصر تبلور یافت. در دوره پهلوی اول در جهت استحکام



جمع بندی

با در نظر گرفتن مجموعه ویژگی های بناهای دوره پهلوی اول میتوان دریافت که معماری این دوره نگرشی ترکیبی دارد؛ به این معنا که از طرفی اندیشه تجدد و مدرنیته را که از دوره قاجار وارد کشور ما شده است به نمایش گذارده و از طرف دیگر- که در این نوشتار نیز به آن پرداخته شده- اندیشه های انقلاب مشروطه در معماری این دوره نمود می یابد. معماری دوره پهلوی تلاش می کند با نگاه به گذشته ایران عناصر باستانی را وارد بناها کند. در واقع اندیشه ناسیونالیسم معاصر که یکی از نتایج فکری اندیشمندان عصر مشروطه است، در معماری به شکل استفاده از معماری باستان نهاییان می شود. این عناصر از اندیشه های متفکران و روشنفکران عصر مشروطه چون ناسیونالیسم و باستانگرایی ریشه می گیرد؛ اما این طرز فکر تنها در ظاهر بناها نفوذ کرده و بدون توجه به کارکرد این عناصر، بیشتر در حالت ظاهری و نمایشی باقی می ماند. ■

منابع

- ۱- کیانی، مصطفی (۱۳۸۶)، معماری دوره پهلوی اول، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ۲- سرایی، حسن، هاشم زهی، نوروز (۱۳۸۱)، شرایط اجتماعی و گفتمان های روشنفکری در آستانه انقلاب مشروطه، سال چهارم، شماره ۳، پاییز.
- ۳- نظری، علی اشرف (۱۳۸۶)، هویت مدرن و ظهور گفتمان مشروطیت در ایران، مطالعات ملی، شماره ۳۲، زمستان.
- ۴- کیانی، مصطفی (۱۳۸۳)، تأثیرات باستانگرایی بر معماری دوره پهلوی اول، تاریخ معاصر ایران، شماره ۳۲، زمستان.
- ۵- زرکش، افسانه (۱۳۸۸)، نقش و تأثیر عوامل دولتی در معماری بناهای خصوصی در دوره پهلوی اول، کتاب ماه هنر، شماره ۱۳۶، دی.
- ۶- صارمی، علی اکبر (۱۳۷۴)، مدرنیته و رهاوردهای آن در معماری و شهرسازی ایران، گفتگو، شماره ۱۰.
- ۷- رامین، علی (۱۳۹۰)، نظریه های فلسفی و جامعه شناسی در هنر، تهران: نی.



تصویر شماره ۴: دبیرستان مارکار یزد که با همت مارکار و با طراحی مهندس بزرز در سال ۱۳۱۲ به صورت ملی احداث گردید.



تصویر شماره ۵: گابریل گورکیان معمار ارمنی تبار ایرانی، ساختمان وزارت امور خارجه (۱۳۱۲-۱۳۱۸) را با الهام از کعبه زرتشت، یکی از بناهای دوره هخامنشی در نقش رستم فارس طراحی کرده است.

و شخصیت های شاهنامه و آئین زرتشت از نشانه های دیگر گرایش باستان گرایی بود. نمود تفکر باستان گرایی و بازگشت به معماری ایران باستان ظهور پله به خصوص در ورودی بناها بود. به کارگیری پلکان یادآور عظمت و شکوه بناهای دوره هخامنشی و ساسانی است (تصویر شماره ۴). معمار در نگرش باستان گرایانه خود در این دوره به دو دوره هخامنشی و ساسانی توجه بیشتری دارد. دوگونه تقلید اول در عناصر مشخص معماری مثل ستون و پنجره و پله و دوم در عناصر تزئینی مثل حجاری و نقوش برجسته و مجسمه وجود دارد (تصویر شماره ۵).

باستان گرایی و توسعه آن هر آنچه مانع دینی بود برداشته شد و هر آنچه جدید و غرب بود به خدمت گرفته شد. باستان گرایی با مفهوم ناسیونالیسم پیوند خورده بود و تلاشی برای جایگزین کردن علایق ملی به جای وابستگی های قومی و دینی بود. توجه به زمینه تاریخی ایران که شامل تمامی آثار، نشانه ها، فرهنگ و تاریخ و تمدن «ایران بزرگ باستان» می شد. این باستان گرایی و ملی گرایی رانه تنها در ساختن بناها بلکه در انتخاب نام بناها مشاهده می شود، انتخاب نام هایی چون: بانک ملی، کتابخانه ملی، موزه ایران باستان و... توجه به مضامین



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز مال جریع عظیمه اسلامی